

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

مرد افغان تنها مظنون قتل زن ایرانی



جوان نطفاتچی افغان به عنوان تنها مظنون در قتل زن ایرانی و سرقت طلاهای او از سوی پلیس جنایی پایتخت بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جام جم، پنجم اردیبهشت امسال جسد زن جوانی در اتاق نشیمن خانه‌اش در آپارتمان درمحل نواب پیدا شد. بررسی‌های اولیه پلیس نشان داد که او بر اثر اصابت جسمی سخت به سرش به قتل رسیده و بیش از «۱۰ ساعت از مرگ» او می‌گذرد. پسر یک‌ونیم‌ساله‌اش هم در کنار جسد مادرش گریه می‌کرد. شوهر مقتول به پلیس گفت طلاهای همسرش سرقت شده است. این مرد اظهار کرد: کارهای خدماتی انجام می‌دهم و از شامگاه چهارم اردیبهشت امسال سرکار بودم و عصر روز بعد از طریق خواهرزاده همسرم که به مقابل خانه‌مان رفته بود، متوجه قتل همسرم شدم.

با تحقیق از خواهرزاده مقتول نیز معلوم شد وقتی چندبار به خانه خاله‌اش زنگ زده و او پاسخ نداده مقابل آپارتمانش رفته که در آنجا صدای گریه‌های پسرخاله‌اش را شنیده و از پلیس درخواست کمک کرده بود. ماموران هم با حضور در آنجا، بعد از شکستن قفل در خانه با جسد این زن روبه رو شدند. در جریان تحقیقات از همسایه‌ها معلوم شد مردی افغان به عنوان نطفاتچی به این ساختمان در رفت‌وآمد بوده و شب قبل هم در آنجا دیده شده بود. ماموران از فردی که این افغان را به اهالی ساختمان معرفی کرده بود تحقیق کردند که او مدعی شد از این مرد خبری ندارد. مرد نطفاتچی به عنوان مظنون در این پرونده تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بعد از یک‌ماه بازداشت شد. او در جریان تحقیقات پلیسی گفت: برای نظافت ساختمان و گاهی نظافت خانه ساکنان به آنجا می‌رفتم. برای نظافت به خانه مقتول هم رفته بودم. و آن شب از من خواست برای نظافت به خانه‌اش بروم که کاری برارم پیش‌آمد و آخر شب رفتم که تلفنش را جواب نداد و روز بعد فهمیدم به قتل رسیده است. حبیب... صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: این مرد به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شده و تحقیقات از او ادامه دارد.

تبعه چینی راهی زندان شد

وکیل متهم تبعه چینی گفت: به متهمان پرونده تبعه چینی تفهیم اتهام شده و پرونده در شعبه بازپرسی دادسرا در مرحله تحقیقات ابتدایی است. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، مهدی عزیززاده اظهار کرد: هنوز کیفرخواست برای این پرونده تشکیل نشده و در شعبه بازپرسی در دادسرا در

ناپدری شیشه‌ای صحنه قتل پسر ۶ ساله را بازسازی کرد

جسدش را با فندک سوزاندم تا از مرگ او مطمئن شوم



ناپدری شیشه‌ای که پسر شش ساله را با همدستی مادر پسرپچه در مهرشهر کرج شکنجه کرده و به قتل رسانده بودند، صحنه قتل را بازسازی کردند.

به گزارش جام جم، راز این جنایت هولناک از یکم آذر سال گذشته با کشف جسد پسرپچه‌ای در یک خرابه در مهرشهر فاش شد. با حضور تیم جنایی مشخص شد

جسد متعلق به پسرپچه‌ای حدود هفت ساله بوده که آثار سوختگی و ضرب و جرح روی تمام بدنش دیده می‌شد. جسد در میان تپویی قهوه‌ای قرار داشت. بعد از گذشت پنج ماه از این جنایت، زنی هراسان با پلیس تماس گرفت و مدعی شد جسد متعلق به پسرش به نام آرش است. ماموران بعد از تحقیق از این زن دریافتند عامل جنایت ناپدری آرش بوده که مرد معتاد دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.

عاملان این جنایت هولناک، پس از هفت ماه به بازسازی صحنه قتل پسرپچه پرداختند. متهمان به محل جنایت منتقل شده و در مقابل افسر جنایی و بازپرس ویژه قتل به تشریح قتل پرداختند. میثم – عامل جنایت – در تحقیقات گفت: بعد از جدایی از همسرم با مادر آرش در خیابان آشناشده و به خاطر این‌که هر دو معتاد بودیم، صیغه محرمیت خوانده و همخانه شدیم. من به آرش علاقه داشتم اما مادرش به رابطه ما حسادت و کاری می‌کرد که او را کتک بزنم. چند بار پسرپچه را با لوله آب کتک‌زده و بدنش را سوزاندم. روز قتل، همسرم آرش را برای خرید برنج به مغازه فرستاد اما کیسه برنج در میان راه پاره شد و آرش برنج‌ها را از روی زمین جمع کرد و کثیف به خانه آورد. مادرش عصبانی شد و خواست او را تنبیه کنم. من هم عصبانی شدم و او را به بخاری روشن چسباندم و بعد با شلنگ کتکش زدم. بعد هم مادرش او را به پشت‌بام برد و به نرده‌های راه‌پله بست. دلم سوخت و خواستم او را به خانه بیاورم. وقتی به خانه‌آمد، حالش بد بود و به سختی نفس می‌کشید بعد هم مرد. با کمک همسرم، جسد را در ماشین دوستم گذاشته و به بیابان‌های اطراف مهرشهر برده و رها کرده و یک روز بعد به آنجا سرزده و فهمیدم آن را پیدا کرده‌اند. متهم تبراره آثار سوختگی با فندک روی جسد پسرپچه گفت: وقتی نفسش بند آمد، مطمئن نبودیم مرده است. به همین دلیل با فندک بدنش را سوزاندم تا اگر زنده است واکنش نشان دهد اما واکنشی نشان نداد. در ادامه مادر آرش هم مدعی شد، نقشی در قتل پسرش نداشته و در این مدت همسر دومش اجازه نمی‌داده با پلیس تماس بگیرد و ماجرا را گزارش دهد. پس از بازسازی صحنه قتل، دو متهم روانه زندان شدند تا پرونده بعد از صدور کیفرخواست برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شود.

مرحله تحقیقات ابتدایی است. به متهمان تفهیم اتهام شده و در حال حاضر آنها به دلیل نداشتن وثیقه در زندان هستند. وکیل این پرونده در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر این‌که جلسات دادگاه متهم چه زمانی برگزار می‌شود گفت: رسیدگی طبق روال پیش می‌رود و پرونده در وقت نظارت بررسی و تاریخ جلسات میثم مینایی
حوادث
پرونده‌های قتل در استرالیا بسته شد. نقطه آغاز این پرونده به ۱۰ فوریه سال ۱۹۶۴ برمی‌گردد که یک بازیکن راگی به نام چارلی بورك در مقابل خانه‌اش کشته شد. قاتل با شلیک ۱۵ گلوله این بازیکن را به طرز هولناکی به قتل رساند. در آن زمان گفته می‌شد که لنی مک پیرسون، بزرگ‌ترین گانگستر استرالیا، ملقب به آقای بزرگ، پشت این قتل قرار دارد؛ اما این فرضیه هرگز به واقعیت تبدیل نشد. چند روز پیش و بعد از گذشت حدود ۵۷ سال، یکی از بازیکنان بازنشسته لیگ راگی استرالیا اعلام کرد که در زمان قتل، پیرسون همراه دو نفر از محافظانش در خیابان محل سکونت بورك حضور داشته است. این خبر باعث شد پرونده و زندگی این گانگستر بار دیگر مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرد.

در همین رابطه روزنامه دیلی میل برای پی بردن به جزئیات اقدامات این خلافکار شناخته‌شده، سراغ توپ‌میشل ۶۰ ساله رفت که نزدیک دو دهه، همسایه پیرسون بوده و با پسران او بزرگ شده بود. تنو می‌گوید رابطه او با همسایه‌شان به قدری صمیمی بوده که او را «عمو لنی» صدا می‌زده و بارها در مهمانی‌ها و مسافرت‌ها کنار این خانواده حضور داشته است. با این حال، اطلاعات و شواهد نشان می‌دهد که همین عمو لنی، هنگام مقابله با رقبایش چقدر بی‌رحم بوده است.

بنا به گفته میشل، پیرسون نفرت عجیبی از پلیس‌ها داشته و این مساله زمانی خودش را نشان داده که یک افسر پلیس به نام رای بریدیک در همسایگی آنها ساکن شده بود. این افسر پلیس حساسیت زیادی روی چمن‌های اطراف خانه‌اش داشته و یک روز که توپ فوتبال پسران پیرسون و میشل به آنها برخورد کرده، با عصبانیت شدید پلیس روبه‌رو شده‌اند. دقایقی بعد پیرسون در حالی که می‌سلسلد در دستش یک زنجیر خانه افسر پلیس رفته و او را تهدید کرده که در صورت تکرار چنین اتفاقی، عواقب خطرناکی برایش رقم می‌خورد. چند روز بعد خود آن افسر پلیس یک توپ جدید برای بچه‌ها خریده بود.

پیرسون به دلیل کرس از تیرور توسط رقبایش، حلقه امنیتی شدیدی اطراف خودش ایجاد کرده بود و در طول روز بیشتر سعی داشته خودش را با ساختن وسایل دست‌ساز سرگرم کند. میشل می‌گوید پیرسون یک روز از او خواسته یک آچار از اتاق پشتی کاراز بیاورد. میشل وقتی وارد آن اتاق شده، متوجه در مخفی تعبیه‌شده در آن می‌شود که به یک اتاق بزرگ‌تر می‌رسیده که نیمی از آن را پول و اسکناس پر کرده بوده و در نیمه دیگری هم انواع مختلف اسلحه، از کلت تا بازو کا دیده می‌شده است.

مهم‌ترین نشانه گانگستر بودن پیرسون، زمانی مشخص شد که یک شب از سوی گروهی ناشناس به خانه آنها حمله شد. میشل می‌گوید ساعت ۱۰ شب بود که صدای شلیک گلوله تمام محله را پر کرد. وقتی صبح شد، تنها چیزی که به چشم می‌آمد، جای ده‌ها گلوله روی دیوارهای خانه بود. بنا به گفته میشل

راز قتل زن جوان در جنگل نور

همسری داشته که چند روزی است ناپدیدشده و همسایه‌ها هم از آن خبری ندارند، همین باعث شک پلیس شد؛ بنابراین با شناسایی خانواده زن کشته‌شده از آنها تحقیق کردند که مشخص شد مدتی است از او خبری ندارند و تلفن هایش را هم پاسخ نمی‌دهد. چندبار به شوهرش زنگ زده‌اند که او به‌درستی پاسخ نمی‌داده و مدعی بوده خبری از او ندارد. این در حالی بود که چون احتمال می‌رفت جسد متعلق به فرزند آنها باشد این خانواده به پزشکی قانونی رفته و با مشاهده جسد سوخته هویت او را تایید کردند. با توجه به این‌که جنایت در شهرستان محمودآباد رخ داده بود پرونده به پلیس این شهرستان ارسال شد. مرد بازداشت‌شده مورد تحقیقات بیشتری قرار گرفت و دو روز پیش به قتل و آتش‌زدن جسد همسرش اعتراف کرد و گفت: او را به قتل رساندم و برای این‌که ردی از جسد همسرم نماند، آن را در صندلی عقب خودرو انداخته و همراه دوستم او را به جنگل‌های شهرستان نور بردیم و روی جسد بنزین ریخته و آن را به آتش کشیده و دفن کردیم. بعد هم به محمودآباد بازگشتیم. در این مدت راز قتل را پنهان نگه‌داشتم و هر فردی که سراغ همسرم را می‌گرفت وانمود می‌کردم که نزد خانواده واقوامش رفته است.

این درحالی بود که با توجه به اعتراف متهم، همدستش نیز روز بعد شناسایی و بازداشت شد. سرهنگ محسن حسین‌زاده فرمانده نیروی انتظامی شهرستان محمودآباد در این باره به جام جم گفت: مرد جوان به قتل و سوزاندن جسد همسرش اعتراف کرده اما درباره انگیزه‌اش از این جنایت اظهارات ضدونقیضی ا مطرح کرده که تحقیقات در این باره ادامه دارد.

پس از ابلاغ اطلاع‌رسانی خواهد شد. درحال حاضر راجع به اظهارات موکلانم نمی‌توان حرفی زد و سایر جزئیات در زمان مناسب بیان می‌شود. چندی پیش یک تبعه چینی تصاویری را از دختران ایرانی در فضای مجازی منتشر کرده بود که در عوارضی کاشان دستگیر شد و هم‌اکنون به دلیل اتهاماتی در زندان است.



یکی از مخوف‌ترین گانگسترهای استرالیا پس از سخته در زندان مرد

پایان سلطنت «آقای بزرگ»

دیگر چنین اتفاقی برای خانواده پیرسون تکرار نشد؛ او دلیل این کار را نفهمید. اما سال‌ها بعد علت اصلی آن مشخص شد. گزارش‌های پلیس نشان می‌دهد که پیرسون بعد از آن اتفاق خانه‌اش را به‌شدت امنیتی کرد.

تمام اطراف خانه سیم‌کشی شد تا کوچک‌ترین حرکتی به سرعت مشخص شود. به محض این‌که فردی به فاصله چندتری این خانه می‌رسید، آژیر خطر به صدا درمی‌آمد و عجیب این‌که صدای آژیر در بیرون از خانه هرگز شنیده نمی‌شد. دیوارهای خانه در مقابل مواد منفجره مقاوم و تمام پنجره‌ها ضدگلوله شدند. برای ورود به خانه نیز سیستمی با امنیت تعبیه شد. او همچنین در جلوی ورودی خانه چاله‌ای درست کرده بود که با فشار دادن یک دکمه از داخل، باز می‌شد. یک روز پیرسون به میشل گفت که برای رفت وآمد به خانه‌شان حتما باید یک کد امنیتی را به خاطر بسپارد؛ میشل می‌گوید لحن صدای پیرسون به قدری جدی بود که با گذشت حدود ۵۰ سال هنوز آن کد در ذهنش باقی مانده است. با نزدیک شدن به سال‌های پایانی دهه ۸۰ میلادی، قدرت پیرسون کمتر شد. یک علنش بالا رفتن سن او بود و دلیل مهم‌تر هم این‌که حلقه پلیس‌های فاسدی که کارهای خلاف او را پوشش می‌دادند، به‌تدریج بازنشسته یا برکنار شدند و نیروهای جدید بدون هیچ ملاحظه‌ای به شکایت‌هایی که علیه او بود، رسیدگی می‌کردند. نتیجه این شد که پیرسون چندی

مهم‌ترین بخش‌های زندگی پیرسون

۱۹۴۲: پیرسون در ۱۱ سالگی و به اتهام سرقت به مدت ۱۲ ماه به خانه تادیب نوجوانان فرستاده شد.

فوریه ۱۹۴۶: پیرسون بار دیگر به ۱۸ ماه زندان محکوم شد که ۱۰ ماه از آن را گذراند. او در آن زمان در قبال دریافت حمایت از نیروهای پلیس، چند نفر از مهم‌ترین خلافکارهای ملبورن را لو داد. او از همان زمان با نیروهای فاسد پلیس ارتباط برقرار کرد.

جولای ۱۹۵۹: فردی به نام جورج هاکت به قتل رسید و پیرسون و محافظش به عنوان متهمان اصلی دستگیر شدند. او در زندان رسماً گفت که هاکت به دلیل زیاد حرف زدن، چاشن را از دست داده است. چند شاهد برای این پرونده حضور داشتند. اما تا روز محاکمه همه‌شان با دریافت چند هزار دلار از کشور خارج شدند.

آگوست ۱۹۶۱: پیرسون با عصبانیت وارد خانه مادرش شد و از او پرسید که چرا برای روز تولدش به او تبریک نگفته است؟ مادرش در حالی که یک خرگوش سفید در دستاش بود، گفت که از کارهای او به‌شدت بیزار است. پیرسون با شنیدن این جمله به قدری عصبانی شد که سر خرگوش را با یک دست کند و جلوی مادرش انداخت.

نوامبر ۱۹۶۵: یکی از رقبای پیرسون با نام رابرت لورنس، توسط چهار مرد به رگبار بسته شد. در کمال تعجب او یک ماه بعد و بعد از خارج کردن ۴۰ گلوله از بدنش، از بیمارستان مرخص شد. لورنس بعدها گفت که دلیل این اقدام از سوی پیرسون این بود که او با دادن پول به مدیران مجله OZ، نام لنی را در تبه دوم تبهکاران استرالیا قرار داده بود.

می ۱۹۶۷: داکای اوکانر، دشمن قدیمی پیرسون در یک کلوب شبانه به ضرب گلوله افراد ناشناس کشته شد. او ماه‌ها تلاش می‌کرد که پای پیرسون را به دادگاه بکشاند.

می ۱۹۶۸: جو بورگ، یکی از رقبای اصلی پیرسون با بمب‌گذاری در ماشینش کشته شد.

ژانویه ۱۹۷۳: کمیته‌ای جدید در اداره پلیس استرالیا شکل گرفت و اولین اقدامش کنار زدن شبکه‌های فساد داخل نیروهای پلیس بود. نظارت روی کارهای پیرسون به‌شدت زیاد شد، به طوری که او ا‌دعا کرد در طول سال ۱۹۷۳ فقط ۸۰۰۰ دلار درآمد داشته است.

۱۱۲ C سقوط خودروی اتباع غیرمجاز به چاه

۲۹ تبعه غیرمجاز افغان در پی سقوط به حفره چاه در مسیر فرعی محور منوجان به بندرعباس کشته و مصدوم شدند.

به گزارش جام جم، رضا فلاح، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان دراین باره گفت: ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه شامگاه دوشنبه هفدهم خرداد امسال، سقوط ۲۹ نفر از اتباع افغان در حفره چاه

از دستگیری قاتلان تا انهدام زمین خواری

فرمانده انتظامی استان کرمان از پیگیری و انهدام دو باند قتل و جعل اسناد در این استان خبر داد. به گزارش جام جم، سردار عبدالرضا نظری با اشاره به دستگیری عاملان جنایت مسلحانه در خیابان ابوذر کرمان اظهار کرد: ۲۷ اردیبهشت امسال یک قفره قتل مسلحانه در خیابان ابوذر شهر کرمان به پلیس گزارش شد. قاتلان که با فرد خاصی خصومت شخصی داشتند برای مورد هدف قراردادن این فرد اقدام به تیراندازی کردند سه نفر افراد رهگذر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند که دو نفر از آنها مجروح شده و یک نفر در مسیر انتقال به بیمارستان فوت کرد. وی افزود، با انجام اقدامات اطلاعاتی این قاتلان کمتر از ۴۸ ساعت

وحشت زلزله در تبریز

زلزله بامداد دیروز در تبریز اهالی این کلانشهر را وحشت‌زده به خیابان کشاند و پس لرزه‌های آن باعث شد، برخی از شهروندان شب را در خیابان صبح کنند. به گزارش جام جم، این زمین‌لرزه ۴/۲ ریشتری ساعت ۳ و ۱۳ دقیقه بامداد سه‌شنبه هجدهم خرداد امسال رخ داد. عمق زمین‌لرزه هشت کیلومتر و نزدیک‌ترین شهرها به مرکز وقوع زلزله، تبریز، صوفیان و سردرود بود.

مردم که در خواب بودند با وقوع این زمین‌لرزه، وحشت‌زده از خانه‌هایشان بیرون آمدند. پس‌لرزه‌های متعددی با ریشترهای کمتربعد از زلزله اولیه احساس شد. از ساعات اولیه وقوع زلزله در تبریز، نیروهای جمعیت هلال‌احمر استان آذربایجان شرقی به حالت آماده‌باش درآمدند. تیم‌های ارزیاب پس از وقوع نخستین زلزله به منطقه اعزام شده‌اند. دستور آماده‌باش کامل نیز به اعضای ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات استان، شهرستان تبریز و شبستر داده‌شد. بررسی تیم‌های ارزیاب نشان داد این زمین‌لرزه کشته و مصدومی نداشت و خسارتی هم به خانه‌ها وارد نکرده‌است. برخی اهالی تبریز دیشب از ترس وقوع زمین‌لرزه بزرگ‌تر، شب را در خیابان به صبح رساندند.